

## سال نو سر فصل نو

رضا علیجانی

سالنامه شرق، ش ۸۴/۱۲/۲۳

**چکیده:** مقاله در مورد روشن‌فکری مذهبی است. ابتدا دستاوردهای عملی و نظری آن را، از دهه ۴۰ تا کنون بررسی و سپس چالشهای پیش رو و وظایف روشن‌فکری مذهبی را برای آینده برمی‌شمرد. نویسنده معتقدند، اینک به جای رویکرد پدیدارشناختی، هرمنوتیکی، اجتهادی حقوقی با متون باید از رویکرد جدید تاریخی - الهامی که در آن عنصر تاریخی متون دینی از عناصر الهامی آنها جدا شده است استفاده گردد و تنها عنصر الهامی برای شرایط امروز بازسازی شود.

نگارنده با تعریفی از روشن‌فکر، مقاله را آغاز می‌کند. روشن‌فکر کسی است که، در پی حقیقت و تقلیل مرارت است. او هم به دنبال حقیقت جویی است، مثل فیلسوفان و جامعه‌شناسان و هم در صدد مرارت‌گاهی است مثل سیاستمداران و روانپزشکان. وجود این دو ویژگی با هم است، که او را از دیگر اصناف جدا می‌کند. روشن‌فکری مذهبی در جامعه ما از آغاز پیدایشش یعنی دهه ۴۰ با این دو ویژگی همراه بوده است. گرچه در آغاز ویژگی دوم آن غلبه داشت و در دهه ۴۰ و ۵۰ با جلوگیری از دو قطبی شدن جامعه، میان قطب قدرت مطلقه انبساط‌گرا و خشونت‌ورز لائیک و قطب بنیادگرا و سنت‌گرا، هزینه فرآیند دموکراتیزاسیون و رشد اندیشیدن تفکر محور تا مرجعیت محور را کاهش داد. در عین حال در تقریر حقیقت از منظر دین نیز فعال بوده است. اما اکنون و در شرایط حاضر به نظر می‌رسد که، روشن‌فکری

بازتاب اندیشه ۷۲

سال نو  
سر فصل نو

مذهبی در سیر پروژه و پارادایم (تقلیل مرارت و تقریر حقیقت) خویش، به پایان یک سرفصل تاریخی و آغاز فصلی دیگر رسیده است. سرفصلی که حاکمیت دینی و تجربه عملی آن ظرف و بستر پدید آمدنش بوده است. این سرفصل را می‌توان به سر آمدن توانایی و ظرفیت برخورد اجتهادی - تأویلی برای پاسخ‌گویی به موضوعات دانست. یک لایه مهم آن چالشی است که نواندیشان دینی، باید نسبت مفاهیمی چون دموکراسی و حقوق بشر و حقوق زنان و غیره را با متون مقدس روشن کنند.

نواندیشان دینی، در رابطه با این‌گونه مسائل، با چالش‌هایی از دو سو مواجه‌اند، از یک سو بنیادگرایان و سنت‌گرایان مستند و دیگر سو روشن‌فکران لائیک، که معتقدند؛ روشن‌فکران مذهبی برخوردی گزینشی - پرسشی با آموزه‌های متون دینی دارند. مثلاً در مورد حقوق زنان، به آموزه‌هایی از متون دینی همچو تساوی سرشت انسانی، اختیار و مسئولیت انسانی زن، استقلال اقتصادی او استناد می‌کنند و اما از کنار تعدد زوجات، حق زدن همسر، حق طلاق مردانه، میزان ارث زن به راحتی عبور کرده و چشم پوشی می‌کنند. به نظر می‌رسد رویکرد اجتهادی - تأویلی (هرمنوتیکی) پاسخ‌گو نیست و پروژه و پارادایم نواندیشی مذهبی را، از حالت پاسخ‌گویی انفعالی نمی‌تواند بیرون بیاورد و به پاسخ‌گوی فعال و کنشگر و اثرگذار تبدیل کند. چاره کار رو آوردن به رویکرد تاریخی - الهامی در تفسیر متون مقدس است. آموزه‌های متون مقدس، چون متن و اثری قابل فهم و تبیین به‌طور تاریخی - الهامی مورد بررسی قرار می‌گیرند. وجوه تاریخی مورد تحلیل تاریخی قرار گرفته و از وجود الهامی آنها جدا می‌گردد و تنها آموزه‌های الهامی به عنوان آموزه‌هایی فرارونده و مربوط به ابعاد ماندگار و انسانی جوامع است بسان قوانین طلایی اخلاقی اجتماعی، مبنایی برای پیروزی و الهام اخذ می‌کردند. در این رویکرد، نیازی به نگاه مؤمنانه به متن نیست و لذا با پژوهشگران غیرمذهبی هم، می‌توانند هم‌داستان و هم موضع شوند. در جامعه متکثر کنونی ایران، به جای یافتن دیدگاه مشترک، باید جهت همکاری را بر دغدغه‌های مشترک قرار بدسیم.

## ● اشاره

۱. بسیاری با این تعریف از روشن‌فکر موافق‌اند آنها قشری از جامعه، که مقررات حقیقت و تقلیل دهندگان مرارت‌اند. اما در تاریخ معاصر کشور ما، عده‌ای که به این نام شناخته می‌شوند، آیا توانسته‌اند مسمای این تعریف واقع شوند؟ حقیقت این است، این طیف که

ابتدا منورالفکر نامیده می‌شدند، چیزی جز تقلید از حیث علمی و عملی از پروژه و پارادایم اعتبار نداشتند. آنان ابتدا مسحور تکنولوژی و معجزه عملی روشن‌فکری فرنگ شده و دل خویش را در برخورد اولیه با آن، از کف دادند و سپس ذهن و بازوان خود را در اختیار سیاستمداران مغرب زمین گذاشتند. نتیجه این شد که، برای ایران نسخه تسلیم بی‌قید و شرط در مقابل غرب را پیچیدند و ندای فرنگی شدن از فرق سر تا ناخن پا را دارند. آنان نه حقیقتی را یافته بودند و نه معجزه‌ای در کف داشتند. تنها ستایشگران معجزه و اندیشه روشن‌فکران غربی بودند و به تقلید و بی‌هیچ‌شناختی و معرفتی به مبارزه و معارضه با هر آنچه از نظرشان سنت می‌نمود پرداختند و همه میراث گذشته این ملت را به مسخره گرفته و به تاراج دادند. حال آن‌که به قول نگارنده مقاله، مدرنیته در تداوم و تصفیه سنت با اخذ عناصر مثبت و حذف عناصر مبرا به دست آمده است به تعبیر دیگر مدرنیته بر پایه‌های سنت بنا شده است.

۲. آنچه که به عنوان روشن‌فکری مذهبی شناخته می‌شود نیز، با کمال تأسف دچار همین بیماری است. از آغاز پیدایشش نتوانسته است از مرجعیت فکری غرب، خود را رها کند. همواره با محصول فکری آن، به تحلیل داشته‌های سنتی و میراث دینی خویش پرداخته است و بنا به تکلیف روشن‌فکری خود، حقیقتی که خواسته‌اند تقریر نمایند چیزی جز تطبیق متکلفانه و در بسیاری از مواقع نادرست یافته‌های غربی، با آموزه‌های دینی نبوده است. در بحث عملی و تقلیل مرارت نیز، تاکنون هیچ نسخه شفابخشی از آنها بروز نکرده است. اما معجزه‌ای که نویسنده مدعی است روشن‌فکری مذهبی در دهه ۴۰ و ۵۰ داشته است، یعنی هموار کردن راه دموکراتیزاسیون جامعه و کاهش هزینه آن، مدعایی بی‌دلیل است. هیچ شاهد تاریخی نشان نمی‌دهد که، این گروه توانسته باشد نقشی در تقلیل خشونت، بین مطلق‌گرایان خشونت‌ورز و آنچه او بنیادگرایان می‌نامد ایفا کند. اگر تدبیرهای راهبانه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در همراه کردن بدنه ارتش با مردم و پرهیز از قیام مسلحانه نبود، حتماً شاهد خشونت‌های بی‌حد و فراوانی می‌بودیم و اینها هیچ ارتباطی با روشن‌فکران مذهبی نداشت. اتفاقاً از جمله گروه‌هایی که مصرانه خواستار اخذ رویکرد مسلحانه توسط رهبر انقلاب بوده، مجاهدین خلق بودند؛ که اگر نگوییم از همین روشن‌فکران مذهبی (با گرایش چپ) بوده لااقل منشعب از آنها و تحت تأثیر رهبران‌شان بودند.

بازتاب اندیشه ۷۲

۳۶

سال نو  
سر فصل نو

۳. نویسنده تلویحاً می‌پذیرد که، رویکرد هرمنوتیکی به متون دینی، برای پاسخ‌گویی به مسائل و مفاهیم لیبرالی شده‌ای مثل دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان به نقاط و در آخر یؤمن ببعض و یکفر ببعض انجامیده و به بن‌بست می‌رسد. لذا ناچاراً رویکرد تاریخی - الهامی نسبت به متون دینی را برمی‌گزیند، رویکردی که به بیان دیگری، توسط کسانی دیگر با تفکیک گوهر و صدف دین یا زمانمند دانستن گزاره‌های دینی ارائه شده است. این

تلاش‌ها برای منطبق کردن دین، با گزاره‌های مدرنیته غربی، نهایتاً به همان چیزی منجر خواهد شد که، در غرب رخ داد. یعنی حذف دین از صحنهٔ اجتماع، سکولار شدن حوزه اجتماع و جدایی دین از سیاست، پروژه‌ای که گذشتگان روشن‌فکری از جمله میرزا ملکم خان با بیان دیگری دنبال می‌کردند.

۴. با تعریفی که از روشن‌فکری داده شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اول روشن‌فکر دینی است، هم آورندهٔ علم و حکمت است و بردارندهٔ اغلال و زنجیرها از پای مردمان و همچنین وارثان خاص او امامان علیهم السلام و وارثان عام ارث، یعنی عالمان دینی، در این سلک قرار می‌گیرند. در طول تاریخ معاصر، این عالمان روشن ضمیر مثل امام خمینی ره بوده‌اند که، هم تاریکی‌ها را زدوده و حقایق را روشن کردند و هم منجیان و مستضعفان از دست استبداد و چنگال استعمار بودند. مصداق حقیقی روشن‌فکری دینی آنان بودند و هستند. راه صحیح مواجهه با متون دینی و یافتن پاسخ مسائل و سؤالات جدید در اجتهادی پویا و در برگیرندهٔ عنصر زمان و مکان، در آن‌که توسط امام خمینی ره ارائه شد می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی